

دو فصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین پژوهی علوی،
سال چهاردهم، شماره بیست و هفتم (پاییز و زمستان ۱۴۰۱)

Teaching religious thinking to children and adolescents using Parables of Muslim Philosophers

Elham Taqvi Ganji¹ \ Abbas Bakhshandeh Bali²

Abstract

Teaching religious thinking has been one of the topics and concerns of the thinkers of theological knowledge. Different methods for this important issue are evident in their works. Rational and sometimes mystical and narrative topics have been used for this purpose. Identifying these methods is important for guiding the children and teenagers. In the present research it has been tried to explain the power and effectiveness of parables of Muslim philosophers in religious thinking with a descriptive-analytical method. Some Muslim philosophers such as Ibn Sina and Sohrawardi have employed stories and symbolic parables in their works, such as "Hayy bin Yaqzan", "Salaman and Absal", "Loqat Moran", "Aql Sorkh", "Fi Haqiqa al-Ishq" and "Awaz Par Gabriel" to teach religious thinking to the society. Parables can be used to strengthen the foundations and thinking of various religious issues. For example, in these parables, discussions about metaphysics in a general and special sense are explained, which include epistemology, ontology, theology, "study of humanity", "study of guides", as well as eschatology.

Keywords: Muslim philosophers, philosophical parables, education of religious thinking, child and adolescent, flourishing.

1- Master's in theoretical foundations of Islam, Mazandaran University, Babolsar, Iran,

taqavielham1@gmail.com

2- Associate professor in Islamic philosophy and theology, department of Islamic studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author)

a.bakhshandehbali@umz.ac.ir

آموزش تفکر دینی به کودک و نوجوان با استفاده از تمثیلات فیلسوفان مسلمان

الهام تقوی گنجی^۱ / عباس بخشنده بالی^۲

چکیده

آموزش تفکر دینی از موضوعات و دغدغه‌های اندیشمندان دانش‌های الهیاتی بوده است. روش‌های مختلفی برای این مهم در آثارشان مشهود است. مباحث عقلی و نیز گاهی عرفانی و نقلی برای این مهم به کار رفته است. شناسایی این روش‌ها برای هدایت نسل کودک و نوجوان اهمیت دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد است توانمندی و اثربخشی تمثیلات فیلسوفان مسلمان را در تفکر دینی تبیین نماید. برخی فیلسوفان مسلمان مانند ابن سینا و سهروردی در آثارشان به کمک داستان‌ها و تمثیل‌های رمزی مانند حی بن یقظان، سلامان و ابسال، لغت موران، عقل سرخ، فی حقیقه العشق و آواز پر جبرئیل برای آموزش تفکر دینی به جامعه پرداختند. از این تمثیلات می‌توان در راستای تقویت مبانی و تفکر مسائل مختلف دینی استفاده کرد. به‌عنوان نمونه در این تمثیلات مباحثی درباره الهیات به معنای عام و خاص تبیین شده که شامل معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و معادشناسی است.

کلیدواژه‌گان: فیلسوفان مسلمان، تمثیلات فلسفی، آموزش تفکر دینی، کودک و نوجوان،

شکوفایی.

۱ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مبانی نظری اسلام، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران aqavielham1@gmail.com

۲ - دانشیار فلسفه و کلام اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
a.bakhshandehbali@umz.ac.ir

۱- مقدمه

یکی از دوره‌های رشد انسان، دوره کودکی و نوجوانی است. این دوره‌ها می‌تواند بستری برای انتقال مفاهیم دینی به‌خصوص اعتقادی باشد. تأثیرپذیری در این دوره‌ها نسبت به دوره‌های قبل به سهولت انجام می‌گیرد و به‌سختی از بین می‌رود. روان‌شناسان رشد از جمله پیازه معتقدند یادگیری در دوره کودکی بسیار سریع‌تر و بادوام‌تر است (ر.ک: پیازه و اینهلدر، ۱۳۸۳: ۲۲). از دیگر سو، روش‌های متناسب با آموزش به کودک و نوجوان اهمیت بسزایی دارند. یکی از آن روش‌ها، روش تمثیلی است. تمثیل در لغت عبارت از مثل آوردن، نگاشتن پیکر و صورت چیزی، داستان یا حدیثی را به عنوان مثال بیان کردن است (معین، ۱۳۸۷: ۳۹۶). اصطلاح تمثیل در ابوابی از جمله ادبیات، منطق، فلسفه و حقوق کاربردهای مختلفی دارد و نوعی تشبیه است. تمثیل در سه حالت تشبیه، استعاره و داستان تمثیلی ظهور دارد (طوسی، ۱۳۹۳: ۳۳۳). هر تمثیل شامل مفاهیمی است که فهم آن‌ها زمان می‌طلبد و مفاهیم متعددی را بیان می‌کند که با نمونه‌های کاملاً متفاوت، اشتراکات و پیوندهای عمیقی دارد. هریک از تمثیل‌ها واقعه خاصی را پررنگ‌تر بیان می‌کنند، به‌این ترتیب که در ضمن معرفی معارف عمیقی چون اصول دینی، انسان‌ها را با مقدمات و علت‌گرایشات آن‌ها آشنا می‌کند و ضرورت وجود هر رخداد طبیعی را با دلایل بدیهی روشن می‌سازد. تمثیل‌ها با بیان دو بعدی بودن انسان، در پی نشان دادن محدودیت‌های جسم هستند تا وجود جهان و عوالم دیگر را اثبات کنند. به‌این ترتیب و با وجود نیاز به حرکت از مبدأ به مقصد و کمال‌طلبی انسان، حس نیاز به راهنما، اسباب هدایت را مهیا می‌کند؛ اما رهنمون‌ها زمانی سعادت‌ساز خواهند بود که فرد به دنبال معارف حقیقی بوده و با علم و تحمل سختی به بی‌ارزشی یا ارزشمندی مسائل پی ببرد. مخاطبان استفاده از تمثیل بسیار دارای اهمیت است.

مقاله‌ای با عنوان «نقش و جایگاه تمثیل در یادگیری مفاهیم دینی» نوشته کاوه سوادکوه از یک نظر به مسئله حاضر ربط دارد، ولی محدود به تمثیلات قرآن کریم است. نوشتار حاضر درباره تمثیلات فلسفی فیلسوفان مسلمان است که با آن مقاله تفاوت‌های کلی و جزئی دارد. مقاله دیگری به نام «جایگاه رمز و تمثیل در آثار شیخ اشراق» نوشته بیدهندی و نجیمی درباره جایگاه تمثیل و رمز نگاشته شده است اما با محتوای اعتقادی برای آموزش به کودک و نوجوان متفاوت است.

۲- تمثیلات فیلسوفان مسلمان

یکی از مهم‌ترین فیلسوفان مسلمان که در زمینه تمثیلات فعالیت داشت، ابن‌سیناست. وی در نمونه‌های تمثیلی خود با نام‌های «رسالة الطیر»، «سلامان و ابدال» و «حی‌بن‌یقظان» تلاش نموده تا با

استفاده از عبارات رمزی، معارف انسان‌شناسی و خداپاوری را در ابعاد مختلف بیان نماید. او در تمثیل از قهرمان داستان (سالک)، راهنما و دشواری‌های مسیر استفاده می‌کند تا نشان دهد مراتب رشد و کمال تنها با تمایل و تلاش برای کسب آگاهی حاصل می‌شود. داستان پرندگان اسیر در دام و تلاش برای رها شدن در "رسالة الطیر"، زنده پسر بیدار که راهنمای مسیر برای سالک واقع می‌شود در تمثیل "حی بن یقظان" و تلاش‌های فرزند پادشاه برای عشق نامتعارف و نهایتاً رسیدن به فرجام نیک و باز شدن چشم دل و رسیدن به محبوب حقیقی، نشان از روند تکامل انسان دارد (فشاهی، ۱۳۸۰: ۳۳).

شهاب‌الدین یحیی سهروردی معروف به شیخ اشراق و بنیان‌گذار مکتب اشراقی در فلسفه است. حکمت اشراقی به معنای برآمدن آفتاب است و این آفتاب برآمده از معارف فلسفی است، به گونه‌ای که کار ناتمام ابن‌سینا را تکمیل نمود و با ادغام آراء افلاطون، ارسطو و صوفیان مسلمان به شکل‌دهی مکتب اشراق پرداخت (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۲: ۳۷۰). سهروردی در نمونه‌های تمثیلی خود با عناوین عقل سرخ، مونس العشاق، غربة الغریبة، آواز پر جبرئیل، فی حالة الطفولية، صفیر سیمرغ، روزی با جماعت صوفیان و لغت موران از نمادهای مختلفی برای نشان دادن روند داستان استفاده می‌کند. هر یک از این تمثیلات در صد آن است که با معرفی سختی و دشواری‌های مسیر از زبان راهنما یا پیر به سالک نشان دهد که پیمودن طریق نیازمند عظم راسخ است. شیخ در داستان‌های خود از عنصر نور و خورشید به عنوان راهنمای انسان بهره می‌گیرد و تأکید بسیاری بر اهمیت اختیار انسان در هدایت‌پذیری دارد. ایشان در ضمن تمثیل، فرد را با خودشناسی، خداشناسی و گذرگاه سخت عبور از مادیات برای رسیدن به معنویت حقیقی و بازگشت به اصالت واقعی مواجه می‌کند (همان، ۱۳۸۰: ۳۵). آموزش مفاهیم اعتقادی با روش‌های مختلفی^۱ قابلیت اجرا دارد که تمثیل یکی از آنهاست.

۳- کاربرد تمثیل در آموزش مفهوم اوصاف خداوند

در بحث از اوصاف توحیدی خداوند می‌توان به مراتب آن اشاره کرد که عبارتند از: توحید ذاتی، صفاتی، افعالی، خالقیت، ربوبیت و مالکیت و حاکمیت. توحید ذاتی به معنای عدم کثرت ذات و بی‌نیازی از علت است. توحید صفاتی نشان از نامتناهی بودن صفات و یگانگی آن‌ها است و همچنین توحید افعالی نمایانگر فاعلیت مستقل خدا و انتساب اعمال اولاً و بالذات به او و وجود تنها فاعل حقیقی است (سعیدی مهر، ۱۳۹۶: ۷۶). در مراتب خلقت هر گونه‌ای با وجود خدمت به خود در حال خدمت به انواع بالاتر است و علاوه بر تکامل شخصی، اسباب تکامل موجودات دیگر را فراهم می‌کند و گرنه موجود به کمال متصف نشده است. در تمثیل حی بن یقظان، پادشاه با بیان سلبی برتر از هر کاستی و والاتر از هر منشأ کمال معرفی

می‌شود و اوصاف او در بی‌نیازی از مکان و زمان در ایشان است (مخلص و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۶). در داستان سلامان و ابسال تسلط پادشاه بر سلامان و برخورد حکیمانه نسبت به او و حتی فرصت دادن پس از گناه و دوری از پادشاه، در واقع اوصاف الهی هستند که در انسان موجودند (روضاتیان و گرامی، ۱۳۹۷: ۲۵). در تمثیل عقل سرخ نیز سیمرغ آشیانه بر طوبی دارد و از گسترش او نباتات بر زمین می‌روید. مراد از سیمرغ در این جا خداوند است که با اراده ایشان حیات بر کالبد موجودات جاری می‌شود (خسروی، ۱۳۸۸: ۹۲).

مونس العشاق با استفاده از یک وصف الهی اشاره به اوصاف و وجود خداوند دارد و یکی از عناصر مهم داستان را عشق معرفی می‌کند که از جمله بارزترین الطاف خداوند نسبت به موجودات است. در بخش‌های میانی غربه الغریبه، قهرمان داستان سفارش به سپاس از خداوندی شده که او را زنده می‌کند پس از آن که مرده باشد. در آخر نیز اوصاف خداوند این گونه ذکر می‌شود که او نور است و چیزی به ذات او اضافه نمی‌شود. در داستان لغت موران، خورشید نقش مهمی در ایفای داستان دارد به گونه‌ای که همه به آن تمایل دارند، مانند قطره شبی که به سمت آفتاب می‌روند و پرنده‌ای که به سوی آفتاب پر می‌کشد و در جام جهان‌نما هم تابش خورشید حقایق غیب را آشکار می‌کند و از سوی دیگر حربا و هدهد مجذوب خورشیدند و به آن اشتیاق دارند و حتی ماه نور خود را از خورشید می‌گیرد و نور چراغ در برابر آفتاب محو می‌گردد (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۴: ۱۸). باتوجه به اینکه در داستان‌ها و تمثیلات دیگر هم از خداوند با عبارت نور الانوار یاد شده و از طرفی خصیصه ذاتی خورشید حیات بخشیدن، زنده کردن و افاضه فیض به موجودات دیگر است می‌توان گفت این عبارت در اشاره به اوصاف و وجود خداوند به کار رفته است (محمدی وایقانی، ۱۳۸۸: ۵۳). حقیقت مهم آن است که خدای تعالی در فطرت انسان‌ها وجود دارد و می‌توان با تمثیلات فلسفی کودک و نوجوان را به یادآوری فطرت خداجویی و خداشناسی رهنمون ساخت. برخی تصور می‌کنند سیر تربیت فقط از طریق آموزش‌ها، یاددهی‌ها و اطلاعات بیرونی شکل می‌گیرد؛ حال آنکه تربیت، امری اکتشافی است نه اکتسابی (ر.ک: کریمی، ۱۳۸۹: ۳۳). در آیه‌ای از قرآن به این مطلب تصریح شد: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم / ۳۰)؛ پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور درحالی که از همه کیش‌ها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

۴- کاربرد تمثیل در آموزش ابعاد وجودی انسان

یکی دیگر از مفاهیمی که می‌توان با استفاده از تمثیل به کودک و نوجوان آموزش داد، ابعاد وجودی انسان است. این مطلب را می‌توان با روش‌های جذاب و متناسب با دوره‌های مختلف طراحی کرد. در تمثیلات مختلف فیلسوفان مسلمان به این مطلب مهم توجه شده است.

بزرگ‌ترین هنر معلم و مبلغ، گرسنه کردن ذهن مخاطب است تا مخاطب خود شکار خود را بیابد (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). فیلسوفان مسلمان با تمثیلات و داستان‌های رمزی در پی گرسنه نمودن مخاطب بودند تا مخاطب خودش مفاهیم اعتقادی مانند ابعاد وجودی انسان را بیابد. شناخت بعد نفسانی به معنای درک توانمندی‌های این قوه مهم در انسان است (ر.ک: فتوحی و بهشتی، ۱۴۰۱: ۱۰۱). وجود نفس در کالبد انسان نه تنها سبب معناداری زندگی بلکه نشان از ارتباطی عمیق میان انسان و خدا دارد. ابن‌سینا در برخی رساله‌هایش مانند *حی بن یقظان* به بازگشت به خود اشاره دارد که حاکی از وجود بعد غیرمادی انسان است. بعدی که از اهمیت بسزایی برخوردار است (ابن‌سینا، ۱۴۰۰: ۱۴۱-۱۳۱). نیز در "رسالة الطیر" رسیدن پرندگان به حقیقت خود با گره‌گشایی از پای خود که نمادی از مادیات است توجه می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۷۰: ۵).

سهروردی نیز در برخی نوشته‌های خود به این موضوع توجه نموده است. تمثیل عقل سرخ اولین فرزند آفرینش را با اوصاف جوانان معرفی کرده و علت سرخی روی او را افتادن در اعماق چاه سیاه می‌داند و به این ترتیب هیوط روح در زندان تن و بعد روحانی را آشکار می‌نماید. مونس العشاق با بیان حالات مختلف با نام‌های حسن، حزن و عشق که بر روح عارض می‌شوند قصد در شناساندن این بعد داشته و با اشاره به حواس، چند بعدی بودن انسان را تأیید می‌کند و با معرفی عشق و حسن به عنوان اسباب وصول به کمال درصدد بازگشت به اصل برمی‌آید. در غربت غریبه عناصر داستان تلاش برای رهایی از زندان غرب، آرزوی وطن داشتن و اعتراف به اینکه بازگشت به سوی خداوند است را نشان می‌دهند. در این جا غرب نماد جهان مادی و زندان نشان تعلق و نیازمندی بوده و تلاش برای رهایی از این زندان به معنای تمایل انسان برای بازگشت به اصل است. "آواز پر جبرئیل" با اشاره به سلوک شبانه و زاری بعد از اتمام آن در حال نمایش رغبت انسان برای بازگشت به اصل خویش است. در تمثیل "فی حالة الطفولية" نیز آگاهی در مسیر سلوک و دستیابی به حقایق وجودی حاصل می‌شود. در بخشی دیگر مثال منعمی که پس از جان سالم به در بردن از مخاطرات دریایی تمام اموال را به آب می‌ریزد نشان دهنده سبک نمودن بار مادیات برای عروج روح به حقایق وجودی است. تلاش‌های ستودنی هدهد برای سیمرغ شدن و پرهیز از نوزده پرنده ساکن

در جان به عنوان موانع حرکت، اهمیت حرکت به اصالت وجود را نشان می‌دهد (و جاق‌علی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۵). در تمثیل روزی با جماعت صوفیان تنها راه باز شدن چشم به حقایق زدودن بیماری و چله‌نشینی معرفی شده و نماد آن است که انسان برای حرکت به سمت حقیقت وجودی خود نیازمند ادراکات روحی است که با ترک تعلقات مادی میسر می‌شود.

۵- کاربرد تمثیل در آموزش معرفت‌شناسی

یکی از آسیب‌هایی که گاهی در سنین کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد، معرفت‌شناسی نادرست است. برخی بر این باورند که ابزار شناخت فقط حواس ظاهری و مادی‌اند از شناخت‌های حضوری و عقلی غافل هستند. اندیشمندان فلسفی در حوزه اسلامی تلاش نمودند با توسل به داستان‌های رمزی و تمثیلات، به گونه‌های مختلف شناخت و به خصوص شناخت غیر حسی آگاهی دهند.

مراد از آگاهی، کسب معرفت در ابعاد خودشناسی و خداشناسی است که غالباً با توجه به نیازهای روحی و ترک تعلق به حوائج مادی دست یافتنی خواهد بود. این معرفت از حیثه خودشناسی آغاز شده و به ابعاد عمیق‌تری خواهد رسید، به این ترتیب الفبای معارف روحانی و معنوی بر مبنای ادراک مفهیم دشوار و پیچیده نخواهد بود بلکه هر آن چه تلنگری برای ترک غفلت باشد را می‌توان در زمره معارف نجات بخش قرار داد.

خداوند در موارد بسیاری دسترسی به معارف را محدود نموده تا آن جا که در میان بندگان تنها پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) عقل کامل نام گرفته‌اند. جوینده معرفت در صورت ترک امانت و بیان معارف برای اغیار، به واسطه آن که ظرفیت ادراک مفاهیم در ایشان موجود نیست سبب کج فهمی و بدگمانی نسبت این قبیل مفاهیم می‌شود و خود نیز به فیض نمی‌رسد. در اشارات تمثیلی نیز بعد از افاضه معرفت، رعایت امانت گوشزد شده است. در "رسالة الطیر" معرفت اولیه با دیدن پرندگان آزاد حاصل شده و معرفت ثانویه آزاد کردن سر و بال‌ها از بند است که رها شدن قوه عاقله از بند مادیات را نشان می‌دهد. در رعایت امانت نیز این‌طور بیان می‌کند که اگر کسی داستان مرا بشنود می‌گوید خردش آسیب دیده که نشان دهنده عدم فهم سایرین در این مورد است. در تمثیل "حی‌بن‌یقظان" معرفت در ابتدا به صورت دیدن راهنما حاصل شده و در مرحله بعد خودشناسی با سفر معنوی و شناخت موانع درونی ابراز شده و خداشناسی به صورت درک ادب حضور نزد خداوند با طی مراتب سلوک حاصل می‌شود (کربن، ۱۳۸۰: ۳۸۲).

تمثیل "سلامان و ابدال" معرفت ابتدایی در باز داشتن پادشاه از عشق ممنوع برای سلامان و بخش دوم انس یافتن به حقیقت خلقت است که شایستگی بر تخت نشینی را برای سلامان به ارمغان می‌آورد و

در باب امانت آمده، دل بستن به هر چیزی روا نیست زیرا محبت امانتی است که خداوند در انسان قرار داده و دل بستن به غیر او خلاف رسم امانت داری است (پورحسینی، ۱۳۷۴: ۳۲۳). در داستان "عقل سرخ" معرفت ابتدایی از زبان باز این طور بیان شده که در طول اسارت خود اندک اندک حقایق جهان را دیده و در بخش دیگری اولین گام راهروان آن است که رو به تاریکی گام بردارند و در ظلمات روند با توکل، که این عبارت نشان از علم به دوری از مقصد دارد که سبب حرکت برای نجات است و کسی که معنای حقیقت را درک کند به معرفت می‌رسد و در مقام دیگری به فرو افتادن فرزند آفرینش در عمق چاه سیاه اشاره شده که نماد هبوط آدم از عالم حقیقت و معرفت به دنیا و بدن مادی است. در رعایت امانت نیز آمده که در کارگاه چیزهایی می‌یافتند که فهم کس بدان نرسد.

تمثیل "صفیر سیمرغ" از ابتدا به بیان معارف می‌پردازد و با لفظ نور حق و برقی که از حضرت ربوبیت برسد آشکار شدن مسیر حقیقی و کسب معرفت برای سالک را نشان می‌دهد و همین آگاهی از اسباب حصول کمال است. این داستان رمز نجات را در دوری از نوزده پرنده درونی می‌داند که همگی موانع حرکت سلوکی هستند. در تمثیل "روزی با جماعت صوفیان" سطح معرفت‌شناسی انسان‌ها در مشاهده آسمان (نماد افاضه معرفت حیات‌بخش) به سه دسته کلی تقسیم شده است، یک عده، کسانی که تنها صفحه‌ای کبود می‌بینند که این‌ها در معرفت‌شناسی با حیوانات برابرند، عده‌ای که به محاسبات نجوم و اثرات آن‌ها در دنیای مادی می‌پردازند که اینها آسمان را به چشم آسمان می‌بینند و عده‌ای دیگر هستند که با چشم سر به آسمان نگاه می‌کنند و برای رسیدن به این مقام باید ابتلائات مادی را از بین برده و حواس باطن به وسیله خاموشی حواس ظاهری، هشیار گردد. این بحث در واقع اشاره به جریان سلوکی معرفت‌شناسی دارد و بی‌بصیرتی انسان ناهشیار را با درک او زیر سؤال می‌برد.

در رساله "لغت موران" نیز نور خورشید (معرفت) سبب اظهار حقایق در جام جهان‌نما شده و راه را به سالک نشان می‌دهد و در فصل ملوک روشن نمودن آتش همان معرفتی است که پس از ترک مادیات به دست می‌آید. خفاش‌ها نیز در فصلی دیگر قصد دارند با نور آفتاب حربا را به قتل برسانند چراکه او را مانند خود کور دل می‌دانند، غافل از اینکه بهرمندی از نور معرفت بالاترین لذات و مرگ با معرفت بهترین نوع مردن است. در فصل "هدهد و بومان"، هدهد با اظهار بینایی و افشای سر حق‌شناسی مورد هجوم نا اهل واقع شده و برای درمان ماندن مجبور به اظهار کوری می‌شود. در فصل "طاووس و پادشاه"، احساس شوق عجیبی که منشأ آن ناپیدا است در مقام بیان تمایل ذاتی به کسب معارف است که با آزادی از بند و بازگشت به آشیان حاصل می‌شود.

۶- کاربرد تمثیل در آموزش عوالم آفرینش

محیط زیست انسانی تاثیر فراوانی بر شکل گیری شخصیت و مسیر زندگی دارد. اگر در دوره‌های مختلف رشد بر همین جهان مادی تأکید شود، انسانی با نگرش مادی شکل خواهد رفت. پارسا در کتاب روان‌شناسی تربیتی معتقد است تأثیر محیط در تکوین شخصی که توسط خانواده در قبال کودک گذارده می‌شود اثر بسیار محسوسی در رشد اجتماعی و شخصیتی او به جا می‌گذارد (پارسا، ۱۳۷۴: ۷۰). با استفاده از تمثیلات فیلسوفان مسلمان و مناسب‌سازی با سنین کودک و نوجوان، آن‌ها را به درک جهان‌های هستی رهنمون ساخت.

جهان دارای مراتب گوناگونی مانند لاهوت، جبروت، ملکوت و ناسوت است (شیروانی، ۱۳۸۹: ۲۸۶). عالم لاهوت مربوط به خداوند بوده که از همه عوالم بالاتر است و بر همه چیز احاطه دارد و شامل صفات وحدانیت، سرمدیت، عالمیت و قدرت که از جمله اوصاف ذاتی خداوند هستند و صفات فعلی خداوند که شامل خالقیت، ربوبیت، حاکمیت و مالکیت می‌شود. عالم جبروت (عقل) نیز مختص فرشتگان است؛ زیرا آفرینش فرشتگان پیش از هر موجود دیگری بوده چرا که آن‌ها اسباب اجرای دستورات خداوند هستند. فرشتگان عقل محض و مجرد هستند و فرشتگان مقرب به خداوند عبارت اند از جبرئیل، میکائیل، عزرائیل و اسرافیل. عالم ملکوت یا مثال نیز همان مرتبه ظهور حقایق مجرد با عوارض مادی بوده و یک عالم مجرداست. عالم ناسوت همان عالم مادی است که هر چه در ملکوت ترسیم شده، در آن محقق می‌شود. عالم ناسوت خود شامل دنیا، برزخ و رستاخیز است (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۴).

در "رسالة الطیر" نه فلک سماوی با عنوان کوه و قله معرفی شده و پس از طی کوه‌ها با عبور از هشت چکاد، موفق به دیدار پادشاه خواهند شد. در تمثیل "حی بن یقظان" سه حد زمین شامل: میان مشرق و مغرب (که برای انسان قابل درک است)، ماورای مشرق (که چهار اقلیم دارد با پادشاهی یگانه) و ماورای مغرب است و تنها کسانی ماورای مشرق را درک می‌کنند که از قدرت خاص چشمه زندگانی بهره برده باشند. برای کسب این قدرت خاص باید جدایی از رفیقان (غضب و شهوت و ماده) صورت گیرد. در داستان "سلامان و ابدال" نیز پادشاه نماد عقل فعال و ابدال نشانه دنیا است. در تمثیل "عقل سرخ" نیز پس کوه قاف، درخت طویی در بهشت، عجایب هفت‌گانه این عالم و دوازده کارگاه قید شده‌اند. در تمثیل "مونس العشاق" نیز به عبارت شهرستان جان، شهر پاکان، شهرستان دیگر، اقلیم هشتم و چشمه آب زندگانی اشاره شده است. تمثیل "فی حالة الطفولية" نیز با بیان عبارات عالم غیب، عالم خواب، عالم توکل و آخرت به عوالم خلقت اشاره نموده است. تمثیل "غربة الغریبة" به طور سینا، بهشت، فلک الافلاک و

شرق و غرب اشاره کرده و در تمثیل "صفیر سیمرغ" نیز مشرغ لاهوت و کوه قاف عنصری هستند که عوالم خلقت را نشان می‌دهند. "آواز پر جبرئیل" نیز در روند داستان با عبارات "رکوه یازده تو" و "ناکجا آباد" بخشی از عوالم را به تصویر می‌کشد. به‌طور کلی تمثیلات با عباراتی مانند اقلیم هشتم درصدد اشاره به عالم مثال یا خیال منفصل بوده و با کلماتی چون شهر پاکان، شهرستان جان، آخرین ولایت و پس کوه قاف، اشاره به عالم عقول (مجردات) می‌کنند (الیاسی و اخلاقی، ۱۴۰۰: ۱۹۶).

۷- کاربرد تمثیل در آموزش محدودیت‌های جهان مادی

یکی دیگر از مواردی که در تمثیلات فیلسوفان مسلمان مشهود است، توجه به محدودیت‌هایی جهان مادی است. باتوجه به تفاوت‌های فردی که در انسان‌ها وجود دارد، تمثیلات گوناگونی در این زمینه وجود دارد. یکی از عمده‌ترین مسائل روان‌شناسی، مسئله تفاوت‌های فردی و عوامل آن‌ها می‌باشد و حتی برخی از روان‌شناسان می‌گویند روان‌شناسی غیر از تفاوت‌های فردی موضوع دیگری برای بحث ندارد (شعاری نژاد، ۱۳۷۲: ۱۳۲).

زندگی در جهان مادی شرایط خاصی را می‌طلبد؛ زیرا محدود به ابعاد زمان و مکان بوده و موجوداتی با این خصیصه را در خود جای می‌دهد. روند تکامل در آن به صورت ولادت، رشد جسمانی و مرگ بوده و فناپذیری از عوارض ذاتی موجودات است. تنوع امکانات، قدرت، ثروت، مناظر، خوراک‌های متنوع و دستاوردهای مادی سبب می‌شود انسان تعلق عمیقی نسبت به دنیا داشته باشد و متحمل رنج و زحمت شود. در این میان خرده‌ای بر جهان ماده نیست، زیرا غایت کمال دنیا در جلوه‌گری بوده و در واقع، حقیقت تعلق به فانی امری ناپسند است.

در اینجا می‌توان به تمثیل حی بن یقظان اشاره کرد که در آن تعلق به دنیا در قالب عشق سلامان به مرضعه خود ابرسال بیان شده که امری بد و بی‌سرانجام است. انسان از جهان مادی ارتزاق نموده و رشد یافته، پس جهان به نوعی مرضعه بوده و حفظ فاصله با آن امری بدیهی است. سلامان نیز در عشق به ابرسال هرگز کام نیافت و نهایتاً او را در دریا به فنا رفته یافت. در تمثیل الطیر نیز زیبایی‌های جهان و نیازهای مادی که اسباب غفلت را فراهم می‌کنند به دام و دانه‌پاشیدن تعبیر شده و اسارت از نتایج آن معرفی می‌شود. در جایی دیگر هم این عبارات موجود است که پرندگان بعد از آزادی به هیچ صدای خوش و نزهتگاهی توجه نمی‌کنند و شرط ایمنی را همین می‌دانند چرا که به خوبی دریافته‌اند دل بستن به مادیات سبب نابودی در حال غفلت خواهد شد (امین، ۱۳۸۳: ۴۷).

در رساله "عقل سرخ" نیز خود را اسیر صیادان قضا و قدر می‌داند که برایش دانه پاشیدند و در ادامه

اذعان می‌کند به اسارت خو کرده و اصل خود را از یاد برده است و هم‌چنین اولین فرزند آدم سرخی روی خود را حاصل گرفتاری در چاه سیاهی می‌داند که توسط همان صیاد حفر شده است (آتش سودا و صادقی، ۱۳۹۱: ۱۴).

در "غربة الغریبة" اسارت و زندان، همان غفلت از اصل حقیقی معرفی شده است. "آواز پر جبرئیل" تعلقات مادی را با عبارت ترک قیود نشان داده و تلاش خود را مبنی بر ترک غفلت ابراز می‌نماید. در ماجرای "فی حالة الطفولية" نیز غفلت از مسیر و تعلق به دنیا به عنوان عادت کودکی مطرح شده، البته لفظ عادت در اینجا به نوعی خوکردن به اسارت و مانع رشد است. در تمثیل "روزی با جماعت صوفیان" آمده که عزیز داشتن مادیات دردی است که مانع رشد می‌شود و این غفلت نمی‌گذارد کسی به راه راست رود. روایت "صفیر سیمرغ" با اشاره به این که هدهد به وسیله کندن پرهای خویش در فصل بهار و ترک آشیان قابلیت سیمرغ شدن خواهد داشت اشاره می‌کند که هدهد در بهار، زمانی که در غایت فریفتگی است با ترک این خلعت از آن می‌گذرد؛ چرا که این‌ها غفلت برانگیزند و راز تکامل در ترک غفلت است. رساله "لغت موران" در فصل سلیمان (علیه‌السلام) شرط دیدار حقیقت را خروج از آشیان معرفی می‌کند و نیز در سلحفات این‌طور روایت می‌شود که هوا و جسم و مکان به عنوان حجاب‌های عقل هستند، که از جمله نیازهای جسمانی و اسباب غفلتند. فصل "جام جهان‌نما" تنها راه دیدن غیب در جام را برداشتن غلاف آن می‌داند؛ چراکه آنچه پوشیده باشد هیچ نشان نخواهد داد. داستان "پادشاه و طاووس" در ابتدا با اشاره به زیبایی‌های باغ درصدد بیان فریبندگی دنیا برآمده و با بیان خوگرقتن طاووس به پوستین چرمینی که در آن محبوس شده و فراموشی حقیقت زندگی خویش، به غفلت از جایگاه حقیقی اشاره دارد. نکته قابل توجه آن است که در تمثیلات، عناصر تاریکی، سیاهی، شب، دام و دانه، شکار، صید، خواب و خوکردن، پوشش و غلاف، پوسته و حجاب همگی از نشانه‌های تعلق به مادیات و تعافل است و توصیه به سفر و سیر و سلوک یا ترک مکان فعلی اشاره به فناپذیری و معبر بودن دنیا دارد.

۸- کاربرد تمثیل در آموزش راهنمای انسان

خداوند با احاطه کامل، از سر لطف و درجهت بهره‌مندی همگان از نعمت رستگاری و اصلاح امور مادی و معنوی انسان، از همان ابتدا راهنمایی از سنخ خودشان برایشان در نظر گرفته است. این راهنمایان کامل‌ترین افراد زمانه خود بوده و به اجرای اوامر خداوند در میان مردم پرداختند و حجت خداوند در جهان مادی هستند. کتاب‌های مقدس نیز با جامعیتی که دارند در زمان‌های مختلف به‌عنوان راهنما نقش ایفا نمودند (ر.ک: نویی و جلالی، ۱۳۹۶: ۵).

از یک سو عقل نمی‌پذیرد که با وجود چنین آفرینش و خلقتی انسان در جهان رها شده باشد و از سوی دیگر خداوند نیز با وجود عوارض مادی این جهان و تعافل آنی انسان‌ها هرگز زمین را از حجت خود خالی نخواهد گذاشت و برای هر قومی از انسان‌ها هدایت‌گر و نماینده‌ای قرار داده است (رعد/ ۷). از طرفی با توجه به محدودیت عمر و اتلاف تجربیات نسل‌های قبل طبیعی است که فرد قادر به تجربه همه چیز نبوده و نیازمند راهنمایی‌های فردی حکیم و راه‌دان است. عقل بشر قادر به تمییز صواب از ناصواب است اما در مواردی که این امور غیرقابل تشخیص باشند انسان حیران می‌ماند پس راهنمایان با هدایت افکار سبب شکل‌گیری عقاید و حق‌جویی او می‌شوند. رساله الطیر با اشاره به پرواز پرندگان آزاد و شروع به حرکت پرنده اسیر در جایگاهی عقل را راهنما معرفی می‌کند و پس از طی مراحل در سلوک از راهنمایی رسولی از جانب پادشاه بهره می‌گیرد که قرار است راه گشودن بند از پای را به آنها نشان دهد و حتی با اشاره به این نکته که هر کس بند را بسته قادر به بازکردن آن است می‌گوید انسان با عقل غافل خود را گرفتار نموده پس با عقل هشیار و راهنمایی رسول به باز کردن بندها بپردازد. در تمثیل حین یقظان راهنما خود او است و بیانی حکیمانه دارد. سیاح در علوم مختلف تبحر دارد و به مخاطب اعلام می‌کند اگر طالب طی طریق تقرب باشد او را هدایت و راهنمایی می‌کند و اگر نه، کارهای مهمی برای انجام دارد. با این بیان اولاً اوصاف راهنمایان را واضح نموده و ثانیاً پرسش از نیاز به رهنمایی نشان می‌دهد که اجبار و تحمیلی در میان نیست و انسان نیازمند راهنما است نه بالعکس (سجادی، ۱۳۷۴: ۷۷).

در تمثیل "سلامان و ابسال"، پادشاه (عقل دهم) راهنما است که با تذکر به سلامان در امتناع از عشق بی فرجامش و همراهی مدام با او درحالی که به مسیر خود باز می‌گردد، اوصاف راهنما به تصویر در آمده است. در داستان "عقل سرخ" راهنما درواقع اولین فرزند آفرینش است که علوم و تجارب بسیاری دارد، غفلت‌های انسان را به خوبی می‌شناسد و برای تأیید آن با بیان حضورش در قعر چاه، اشاره به هبوط خود داشته و نشان می‌دهد مسیر را به خوبی می‌شناسد. تمثیل "مونس العشاق" با معرفی سه برادر مجرد و غیرمادی سعی دارد عشق را به عنوان راهنمایی همدل و صاحب معرفت معرفی کند. در "غربة الغریبة" راهنما هددهد است که نامه پدر را به پسر می‌رساند و با نشان دادن مسیر آزادی، پیش روی او شروع به حرکت می‌کند و همین نشان دهنده اوج همراهی راهنما است. این شیوه‌های هدایت مطابق با رفتار رسولان الهی، نشان از پرورش فکر و اختیار سالک در انتخاب سلوک دارد. تمثیل "آواز پر جبرئیل" راهنما را پیر دهم (عقل فعال) معرفی می‌کند که با همراهی نه پیر دیگر همگی از نا کجا آباد آمده و مجرد (غیر مادی) هستند. پیر دهم مخاطب خود را با حقایق مراتب عقول آشنا کرده و کلام الهی و خصوصیتی از

جبرئیل را به درخواست سالک به او می‌آموزد. در اینجا نیز درخواست سالک برای هدایت شدن نشان از نیازمندی بشر به وجود راهنما دارد. در تمثیل فی حالة الطفولية و روزی با جماعت صوفیان، راهنما همان شیخ است که علم مراتب افلاک و عقول را آموزش می‌دهد و سالک را با لذت فهم و هدایت یافتن آشنا می‌کند. در رساله "لغت موران" نیز راهنمایان عبارتند از مور متصوف، قاضی حاکم در سلحفات (که حرفش را نپذیرفتند و او را عزل کردند)، مرغ به رسالت نام زده شده در داستان سلیمان (علیه‌السلام). در سایر تمثیلات این رساله، قهرمان داستان از راهنمای درونی خود یعنی عقل بهره می‌گیرد (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۳۸۳).

۹- نتیجه‌گیری

موفقیت جامعه اسلامی در شکل‌گیری و گسترش، وابسته به تلاش صحیح در انتقال مفاهیم دینی به افراد جامعه دارد. محتوای دینی می‌تواند در قالب روش‌هایی مانند بازی، شعر، رسانه، قصه و تمثیل برای مخاطبان کودک و نوجوان ارائه شود که از جمله جامع‌ترین شیوه‌ها استفاده از تمثیل است که با اصطلاحات رمزآلود و بهرمندی از روند داستانی، مخاطب را به چالش‌های درونی دعوت می‌کند. در نمونه‌های تمثیلی ابن‌سینا و سهروردی با عناوین رساله الطیر، حی‌بن‌یقطان، سلامان و ابسال، عقل سرخ و مونس العشاق نیز نوعی سیر تکاملی به تصویر کشیده شده است. تمثیل‌ها در صدد آموزش توحید، معاد، امامت و نبوت، مراتب آفرینش عوالم خلقت، اصول معرفت‌شناسی، شناخت محدودیت‌های جهان ماده و ابعاد وجودی انسان هستند. تمثیل با معرفی اوصاف خداوند در قالب شخصیت‌های داستانی دست‌نیافتنی که چشم و جان انسان قادر به درک آن نیست و با اشاره به اوصاف خالق که در مخلوق متجلی شده در اصل به بیان توحید و یگانگی خداوند در ذات و صفات می‌پردازد. از طرفی با بیان ویژگی‌های مختلف انسان و خلقت جسمانی و روحانی از میزان قدرت بشر در سعادت‌مندی سخن می‌گوید. از طرفی با بیان اینکه کمال هر چیز در ارتباط عمیق با اصل آن نهفته است بازگشت به اصل را در دو مرحله معرفی می‌کند که یکی رسیدن به شایستگی برای مقام خلیفه خداوند بودن در زمین است و دیگری بازگشت به خداوند و معاد اخروی. بعد از این مراحل مخاطب وارد وادی معرفت‌شناسی در ابعاد خودشناسی و خداشناسی شده و با اشاره به اینکه انسان محل تجلی اوصاف خالق است، خودشناسی را در اولویت سلوک و بندگی معرفی می‌کند. همچنین، با معرفی عوالم خلقت جایگاه بشر را در عالم آفرینش نشان داده و با این معرفی اسباب قدردانی و پیشرفت انسان را با آگاهی بخشی به او فراهم می‌کند.

پی نوشت

۱- روش‌های متنوعی برای آموزش به مخاطبان مختلف به خصوص کودک و نوجوان در علوم تربیتی و روان‌شناسی وجود دارد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: یک بازی: به‌عنوان یک فعالیت محبوب به مخاطب کمک می‌کند تا مشارکت اجتماعی را بیاموزد، در واقع وقتی کاری هیجان‌انگیز را ندارد با طرح یک چالش و بازی جدید، فرد وادار به انجام کار تازه می‌شود و این همان هدف آموزشی است که حاصل می‌شود. گنجاندن مفاهیم و آموزه‌های دینی در بازی‌های مختلف به صورت کلامی، فکری، حرکتی و... سبب می‌شود هرگز آن آموزه دینی فراموش نشود (جوهری و سیفی کناری، ۱۳۹۸: ۲۶). دو تصویر و رسانه: رسانه‌ها با وجود هم‌زمانی عناصر صدا و تصویر می‌توانند همواره با تکیه بر داستان‌سازی و مشارکت ذهنی افراد در ابعاد مختلفی به انسان‌سازی بپردازند و مهارت‌های دینی را در مخاطبین خود پرورش دهند. اگر چه آموزش‌های رسانه‌ای طیف وسیعی را دربردارند، اما از جمله مباحث اولیه قابل آموزش در رسانه‌ها برای کودک و نوجوان آشنایی با نتیجه اعمال و اختیار، تمیز بد و خوب، کشف ظاهر و باطن پدیده‌ها، دقت در امر خلق و آفرینش است (عظیمی و شکر خواه، ۱۳۹۴: ۷۴). سه تجربه و مواجهه (واقع‌گرایی): در این شیوه فرد با امتحان کردن موضوعات در موقعیت‌های مختلف با تمام جوانب آن آشنا می‌شود و در برخورد با آن آگاهانه عمل می‌کند و کمتر دچار خطا شده، بهتر تصمیم می‌گیرد و نتیجه را خواهد دید. همچنین، افراد درک خواهند کرد که بسیاری از موارد تنها در عالم ذهنی موجودند؛ مانند شرایطی که تصور جبر و تحمیل نسبت به دین وجود دارد درحالی‌که دین در پی سعادت است (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۵). چهار تشویق و تنبیه: این روش تعیین بایدها و نبایدهای رفتاری است و مخاطب را در فضای شرم و حیا قرار داده تا به‌واسطه احترام متقابل اقدام به یک عمل نموده یا از آن دست بردارد و پذیرش نتایج را نیز به‌دنبال دارد، یعنی هر فرد به خوبی می‌داند در مقابل هر کنش یک واکنش وجود دارد و اگر به دلایلی واکنش دفع شود هر عمل آثاری دارد (سادات، ۱۳۹۹: ۹۶). پنج شعر: اشعار با بیانی موزون و جهان‌بینی‌های موجود، جنبه‌های مختلفی دارند و در کشف روابط بین پدیده‌ها از عنصر خیال بهره می‌گیرند. کاربرد شعر در آموزش به کودک و نوجوان به آن صورت است که با کلمات ساده و جریان داستانی فرد را درگیر تجربیات حسی ملموس نموده و امکان درک محتوای دینی را مانند امری بدیهی فراهم می‌آورد (آذر مکان و خردخورد، ۱۳۹۴: ۱۸۲). شش) ایده پردازی: ایده‌پردازی از تفکر و خلاقیت سرچشمه می‌گیرد و به‌جز اینکه سبب ایجاد همدلی و رشد فکری می‌شود ذهن را مهیا می‌کند تا از زوایای مختلف به بررسی مفاهیم پیرامون بپردازد. به‌این ترتیب مخاطب با ایده‌پردازی در حال نوسازی تفکر و کشف مسیرهای جدید برای فهم محتوا

خواهد بود و به مرور زمان راهکارهای مختلفی برای حل مسئله و روش‌های نوین در مباحث مختلف ایجاد خواهد شد (داداشی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۸). هفت پرسش و پاسخ: طبق این روش مخاطبین درصدد پاسخ به پرسش‌های دیگران بر می‌آیند و در ضمن همین جریانات به پاسخ سؤالات خود می‌رسند. در مباحثاتی با این کیفیت سرعت انتقال اطلاعات بالا بوده و افراد امکان فراگیری، انتقاد و تحلیل بیشتری دارند. از ویژگی‌های این سبک آموزشی می‌توان به چالش ذهن و کشف راه‌های جدید درک مطلب اشاره کرد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳). هشت نمایش: این شیوه آموزشی به افراد کمک می‌کند تطبیق واقعی داشته و مفاهیم دینی را دریابند. از طرفی به‌واسطه نقش دادن به افراد آنها را با حس مهم و قدرتمند بودن به چالش کشیده و همه ادراکات عقلی و حسی را در قالب مسئولیت به آنها ارائه می‌کند. در نمایش‌هایی با محتوای صورت و جهت آتش، شکل هوا، تاریکی و نور و... افراد قادرند به‌خوبی صورت و معنا را از هم بازشناسند و مفاهیمی چون حضور خداوند در همه احوال را درک کنند (همان، ۲۱). نه داستان‌سرایی: یکی از بهترین شیوه‌ها، پردازش مفهوم به شکل غیرمستقیم است؛ زیرا وقتی مخاطب در فضای قصه قرار می‌گیرد خود را با اعضای آن هم‌داستان می‌پندارد و واکنش‌های مختلف را پیش بینی می‌کند و به‌این ترتیب پیام قصه بر جان او می‌نشیند. علاقه به قصه از جمله مواردی است که خداوند آن را در نهاد آدمی قرار داده و در موارد بسیاری با بندگانش این‌گونه سخن گفته است (پروینی، ۱۳۷۹: ۱۹۲).

منابع

قرآن کریم.

۱. آتش سودا، محمد علی؛ صادقی، سمیرا، (۱۳۹۱)، *ساختار داستان‌های شیخ اشراق بر اساس الگوهای ولادیمیر یراب*، مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش ۲۷.
۲. آذرمکان، حشمت‌الله؛ خردخورد، فوزیه، (۱۳۹۴)، *شعر کودک و دنیای کودک*، اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی.
۳. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۶۴)، *شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی*، تهران، انتشارات حکمت.
۴. ابن سینا، عبدالله، (۱۳۷۰)، *رساله الطیر*، به کوشش: محمدحسین اکبری، تهران، انتشارات الزهرا.
۵. ابن سینا، عبدالله، (۱۴۰۰ ق)، *رسائل ابن سینا*، قم، انتشارات بیدار.
۶. امین، سیدحسین، (۱۳۸۳)، "سلامان و افسال اسطوره یونانی در فرهنگ ایرانی در چهارده روایت"، تهران، *دایرة المعارف ایران‌شناسی*.
۷. اوجاق علی‌زاده، سیمین، (۱۳۸۸)، "صغیر سیمرغ در کارگاه عنکبوت"، *پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب*، سال پنجم، ش ۸.
۸. پارسا، محمد، (۱۳۷۴)، *روان‌شناسی تربیتی*، تهران، نشر سخن.
۹. پروینی، خلیل، (۱۳۷۹)، *تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن*، تهران، فرهنگ گستر.
۱۰. پورحسینی، ابوالقاسم، (۱۳۷۴)، "دو روایت سلامان و افسال از نظر خواجه نصیرالدین طوسی"، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۳.
۱۱. پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۷)، *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. پیازه، زان؛ اینهلدر، باربل، (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی کودک*، ترجمه: زینب توفیق، تهران، نشر نی.
۱۳. جوهری، معصومه، سیفی کناری، فاطمه، (۱۳۹۸)، "نقش بازی در تربیت دینی کودکان"، *دوفصلنامه تخصصی مطالعات دین‌پژوهی*، سال ۳، شماره ۶.
۱۴. خسروشاهی، سیدهادی، (۱۳۷۸)، *مجموعه رسائل علامه طباطبائی*، قم، انتشارات بوستان کتاب.

۱۵. خسروی، حسین، (۱۳۸۸)، "در مکتب عارفانه سهروردی"، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دوره ۱۲، شماره ۷.
۱۶. داداشی اومالی، بهروز و همکاران، (۱۴۰۰)، "رابطه ایده‌پردازی با آینده‌پژوهی در فرایند تدریس"، نشریه آفاق علوم انسانی، شماره ۵۸.
۱۷. روضاتیان، سیده مریم؛ گرامی، نجمه، (۱۳۹۷)، "فراמתن‌های سلامان و ابسال"، مجله پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۳۶.
۱۸. سادات، محمد علی، (۱۳۹۲)، راهنمای پدران و مادران در شیوه‌های برخورد با کودکان، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۱۹. سجادی، سید جعفر، (۱۳۷۶)، شرح رسائل سهروردی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۲۰. سعیدی مهر، محمد، (۱۳۹۶)، آموزش کلام اسلامی، قم، نشر کتاب طه.
۲۱. سهروردی، یحیی بن حبش، (۱۳۸۰)، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، به‌کوشش: هنری کرین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۲. شریفی دروازه، مریم و همکاران، (۱۳۹۹)، "واکاوی روش‌های آموزش دینی بر تجربه زیسته آموزگاران و متخصصان علوم دینی و تربیتی"، مجله تربیت اسلامی، شماره ۳۴.
۲۳. شعاری‌نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۲)، روان‌شناسی، تهران، اطلاعات.
۲۴. شیروانی، زین العابدین، (۱۳۸۹)، بستان السیاحه، ج ۱، تهران، انتشارات حقیقت.
۲۵. طوسی، نصیر الدین، (۱۳۹۳)، روضه تسلیم، مقدمه: جلال حسینی بدخشانی و پروفیسور هرمان لندولت، تهران، میراث مکتوب.
۲۶. عظیمی، محمدحسن؛ شکرخواه، یونس، (۱۳۹۴)، "کودک رسانه و ارتباط متقابل"، مجله علوم و فنون مدیریت اطلاعات، سال اول، ش ۱.
۲۷. فتحی، عباس؛ بهشتی، احمد، (۱۴۰۱)، "رابطه نفس و بدن در علم و عمل؛ از حیات تا موت (با تأکید بر رویکرد صدرایی)"، مجله عقل و دین، شماره ۲۶.
۲۸. فشاهی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، ارسطوی بغداد از عقل یونانی به وحی قرآنی، تهران، انتشارات کارون.
۲۹. کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۸۹)، تربیت چه چیز نیست؟، تهران، انتشارات مدرسه.
۳۰. محمدی وایقانی، کاظم، (۱۳۸۸)، هشت رساله سهروردی، نشر نجم کبری.

۱۳۴ ■ آموزش تفکر دینی به کودک و نوجوان با استفاده از تمثیلات فیلسوفان مسلمان

۳۱. مخلص، سهام؛ رسولی شریبانی، رضا؛ مقیمی، گیتا و اکبری، رضا، (۱۳۹۵)، "رسالة الطیر ابن سینا فراروایتی نمادین از معنای زندگی"، *مجله حکمت سینوی*، شماره ۵۶.
۳۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۳)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، انتشارات صور.
۳۳. معین، محمد، (۱۳۸۷)، *فرهنگ معین*، تهران، انتشارات زرین.
۳۴. نوبی، اراهیم؛ جلالی، مجتبی، (۱۳۹۶)، "بررسی دیدگاه صدرالمآلهین شیرازی در باب جامعیت قرآن"، *مجله عقل و دین*، شماره ۱۷.
۳۵. الیاسی، آزاده؛ اخلاقی، مرضیه، (۱۴۰۰)، "جهان‌شناسی رمزی در داستان‌های شیخ اشراق"، *فصل‌نامه اندیشه فلسفی*، دوره ۱، شماره ۳.